



فرهنگ، توسعه پایدار و محیط زیست

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۱۱/۶

تاریخ تایید مقاله: ۸۸/۲/۲۵

حسین صادقی *

مهدی فتحی **

چکیده:

امروزه بیشتر کشورهای در حال توسعه، با استحصال و فروش منابع طبیعی خود از هر نوع، می‌کوشند منابع مالی لازم خود را برای اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی فراهم آورند؛ در صورتی که بهره‌برداری بی‌رویه منابع طبیعی می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری به محیط زیست وارد کند. اما از آنجا که توسعه امری اجتناب‌ناپذیر است، یکی از راه‌حل‌های بشر امروز برای کاهش میزان ضایعات ناشی از فعالیت‌های اقتصادی تحت عنوان «توسعه پایدار» در سالیان اخیر مطرح شده است. خطرات تهدیدکننده محیط زیست در تمام کشورها یکسان نیست؛ زیرا عواملی همچون شرایط اکولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی، جغرافیایی، میزان صنعتی بودن و نحوه استفاده از صنایع در کشورهای مختلف با هم تفاوت دارد. از این رو جهت مؤثر بودن ایده‌هایی همچون توسعه پایدار و یا جنبش‌های سبز در سراسر جهان، ضروری است که عموم مردم از مخاطرات تهدیدکننده محیط زیستشان آگاه شده و به اقدام در جهت حفظ آن تشویق شوند. این مقاله نیز کوششی است در جهت تبیین رابطه فرهنگ، محیط زیست و اقتصاد؛ چرا که درک ارتباط این حلقه‌های سه‌گانه، به انسان معاصر که در لحظات بسیار حساسی از حیات خود قرار دارد، کمک خواهد نمود تا ضمن بهره‌مندی از طبیعت، آن را حفظ نماید. ماحصل هر تمدن و فرهنگ یک نمونه‌ی جامع رفتاری است که هدایت‌کننده ایده‌آلها و تمایلات افراد در هر جامعه است. استفاده بهینه از منابع انرژی، حلقه‌ی رابط فرهنگ، محیط زیست و اقتصاد است به طوری که اگر به دنبال بهینه‌سازی مصرف انرژی در جوامع انسانی برای پیشگیری از ایجاد آلودگی‌های بیشتر زیست محیطی هستیم، ابتدا باید بستر فرهنگی لازم را ایجاد نماییم.

واژگان کلیدی: توسعه، پایداری، فرهنگ، محیط زیست، رشد اقتصادی.

* استادیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس Email: hsadeghi@yahoo.com

** کارشناسی ارشد دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران Email: mehdyfathi@yahoo.com

این است، که پس از طی نمودن دوره‌ای که زمین فشاری بیش از توانش را تحمل نمود، اکنون اغلب منابع طبیعی در لبه‌های بحرانی خویش قرار داشته و ظرفیت برد^۱ آنها بسیار کاهش یافته است.

بنابراین با توجه به اجتناب‌ناپذیری رشد اقتصادی از یک سو و ظرفیت محدود محیط از سوی دیگر، واضح است که باید بین سه حلقه مردم (فرهنگ)، محیط زیست و اقتصاد، تعادل برقرار نمود. از این رو این مقاله در ابتدا به تعریف مفاهیم پرداخته و سپس ارتباط و اثر متقابل آنها را با هم بررسی می‌نماید.

محیط زیست

در یک تعریف عمومی محیط زیست عبارت است از مجموعه‌ی از موجودات زنده، منابع، عوامل و شرایط هماهنگی که در پیرامون هر موجود زنده وجود دارد و ادامه حیات این موجود زنده به آن وابسته است (ژیزل، ۱۳۷۲: ۱۴). کنش‌ها و واکنش‌ها، چرخه‌ها و فرآیندها، حرکت‌ها و روابط متقابل، اثرها و تاثیرها، مجموعه زیست محیطی را در درون و از بیرون بر هم متصل می‌کند و تمامی آنها در ارتباط با هم شبکه در هم تنیده حیات را تشکیل می‌دهد.

مطالعه روابط بین موجودات زنده و محیط زیست آنها (که خود در برگیرنده تمامی اجزای زنده و غیرزنده است) در حیطه علم اکولوژی است. هر جا که واژه «اکولوژی» مطرح می‌شود، از همان آغاز حضور سه مفهوم بنیادی تأیید می‌شود که عبارتند از (بونفر، ۱۳۷۵: ۱۵):

- محیط زیست: در درون معنای اکولوژی بنیادی‌ترین مفهوم این است که سخن درباره یک فضای فرهنگی است که در این فضا همه چیز با همه چیز مربوط می‌شود. این فضا «محیط زیست» است.

- رابطة: به محض اینکه واژه اکولوژی به کار گرفته شود، «روابط» مطرح می‌شود. روابط بین «این» (که به مرکز توجه نزدیکتر است) و «آن»، روابط بین این عقاب و آن درخت و روابط بین آن درخت و سیل امسال. واژه «روابط» خود تأیید این است که چیزی دارد اتفاق می‌افتد، چیزهایی به طور دایم در

همزمان با اینکه هدف اصلی بسیاری از سیاست‌های اقتصادی دست‌یابی به سطح رشد بالاتر می‌باشد، مخاطرات زیست محیطی ناشی از فعالیت‌های اقتصادی به یک موضوع بحث برانگیز تبدیل شده است. طی دهه‌های اخیر برخی از طرفداران محیط زیست از دیدگاه «شکست بازار»، با تجارت آزاد و رشد اقتصادی مخالفت کرده و دخالت دولت را ضروری دانسته‌اند (شریعت، ۱۳۷۵). از طرف دیگر نیز عده‌ای معتقدند که برای دست‌یابی به محیط زیست سالم‌تر و ریشه‌کن کردن فقر، رشد اقتصادی لازم است (عباس پور، ۱۳۷۷). لذا رفته رفته موضوع تعارض میان رشد اقتصادی و کیفیت محیط زیست به یکی از موضوعات چالش در حوزه اقتصاد محیط زیست تبدیل شد. به طوری که امروزه کشورها به اهمیت مسائل زیست محیطی پی برده و با احساس نیاز و متقابلاً خطر در این زمینه، به وضع برخی قوانین در سطح ملی و یا تنظیم توافق‌نامه‌های بین‌المللی پرداخته‌اند.

از سوی دیگر برخی معتقدند که قوانین به تنهایی تضمین کننده حفاظت از محیط زیست در برابر مخاطرات ناشی از فعالیت‌های سودجویانه انسانی نبوده و باید نگرش خودخواهانه انسان‌ها تغییر یابد (بونفر، ۱۳۷۵). از این رو برنامه‌های گوناگونی در سطوح مختلف اعم از شهری، ملی، منطقه‌ای و حتی جهانی در قالب جنبش‌های سبز، برنامه‌های حفظ زمین و یا عناوین دیگر با هدف آگاه‌سازی عموم مردم از مخاطرات پیش رو - در صورت ادامه وضع کنونی - ترتیب داده و معتقدند که حفاظت از مادر انسان یعنی طبیعت باید در جوامع نهادینه شود که یکی از مهمترین شروط تحقق این امر، فرهنگ‌سازی است.

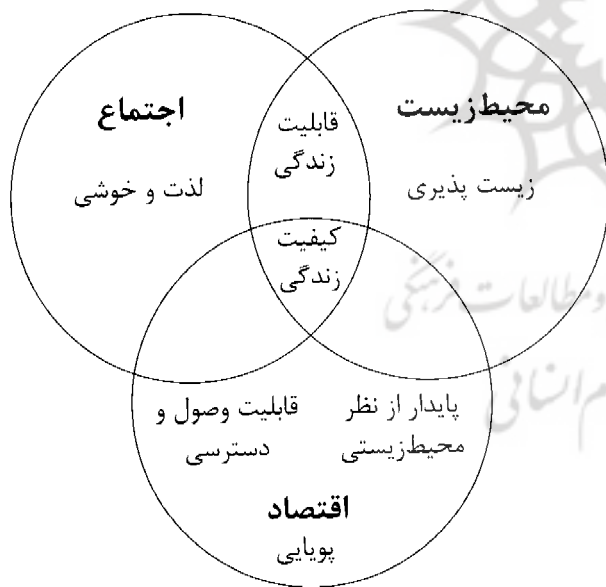
امروزه کشورها به دنبال کاهش ضایعات زیست محیطی همزمان با طی مراحل توسعه می‌باشند و به تعبیری ویرایش‌های مختلفی از توسعه پایدار را دنبال می‌کنند. منحنی میان رشد اقتصادی و کیفیت زیست محیطی به صورت U وارونه، به کوزنتس^۱ معروف است (Kuznets, 1995: 3). بدین شکل که سالهای اولیه رشد اقتصادی مقدار تخریب زیست محیطی افزایش می‌یابد اما به مرور زمان و پس از رسیدن به سطح معینی از رشد، کیفیت زیست محیطی بهبود می‌یابد؛ اما مسئله

1. Environmental Kuznets Curve

2. Carrying Capacity

تنها در «جهان سوم» بلکه در جهان پیشرفته رخ می نمود. توسعه ناهماهنگ هیچ یک از انتظاراتی را که وعده می داد، بر نمی آورد. آب و خاک و هوا را آلوده می کرد. برای ساختن هر سد، دهها هزار نفر باید از خانه و زندگی خود آواره می شدند، ولی در بهشت شهرها برای آنها جایی نبود.

اثرات مخربی که توسعه بی مبالات بر محیط زیست و بر فرهنگ گذاشت موجب تغییر بنیادی در نگرش های همه جانبه و نیز در یافتن چارچوب و روش های لازم برای بهبود زندگی مردم شد. البته باید به این نکته بسیار مهم نیز تأکید کرد که در جریان تغییر از «توسعه» به «توسعه پایدار» یک تحول و انقلاب دیگر نیز اتفاق افتاده بود و آن تغییر نقش مردم در سرنوشت خویش بود (نمودار ۱). مردم می خواستند و می خواهند که نقش بیشتر و تعیین کننده تری در تعیین سرنوشت خویش داشته باشند. بنابراین تغییر نهادها و بنیادها، پیش و بیش از آنکه در اختیار سیاست پیشگان و صاحب اختیاران مردم باشد، در دست اندیشمندان و متفکران بود.



نمودار (۱) مدل مفهومی از عوامل اثرگذار بر کیفیت زندگی افراد جامعه با رویکرد اکولوژی انسانی (Shaffer, et. Al., 2000, p.166)

«توسعه پایدار» تغییر در بنیادها را اقتضا می کند که به همه جا چشم دارد: عدالت اجتماعی، حفظ میراث فرهنگی، حفظ

جریان است و همه این «جریان ها» بر «بودن» و پویایی دلالت دارد: روابط متقابل، کنش ها و واکنش ها، بستگی ها و وابستگی ها، بازی ها و همبازی ها همه می کوشند که شبکه پویایی ها را نشان دهند.

جهان بینی جهان گرا: استفاده از واژه اکولوژی شکل خاصی از جهان بینی را نشان می دهد که «همه جاگرا» و «همه سوگرا»، «هر سوگرا» یا «جهان گرا» نامیده می شود. در این مورد، مبنا این است که فراتر از یک درخت، فراتر از یک جا، فراتر از هر فرد، فراتر از هر جامعه و فراتر از هر چیز، «چیز» دیگر هم هست. این «کلیت» همه اینهاست. این یک طبیعت جهانی است. این یک جامعیت همه چیز، همه جا، همه با هم و همه ورای هم است که فراتر از افراد و حتی آن سوی همه است. این بیش از هر چیز و پیش از هر چیز احتیاج به یک چشم جهان بین دارد.

توسعه و مبانی آن

توسعه در کلی ترین شکل خود عبارت است از مجموعه فعالیت های منظم، سازمان یافته و برنامه ریزی شده ای که در یک منطقه یا در یک کشور، در طول یک دوره زمانی با هدف تعریف شده و به منظور برآوردن انتظارات مشخص انجام می گیرد (دیرباز، ۱۳۸۰: ۱۰). از سال های آغازین دهه ۱۹۵۰، دولتمردان کشورهای صنعتی مجموعه ای از داشته های جوامع خود را به عنوان یک مجموعه نمایش می دادند که مردم این کشورها را به خوشبختی رسانیده بود و می شد آن را از اروپا و آمریکا به کشورهای فقیر و کشورهای تازه به استقلال رسیده در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین فرستاد و آنها را نیز آباد کرد. از سوی دیگر رهبران کشورهای فقیر و تازه به استقلال رسیده هم که هیچ یک از چیزهایی که در کشورهای پیشرفته دیده بودند، در کشورهای خود نمی دیدند به آنها احساس نیاز می کردند و می خواستند بسازند و وارد کنند و داشته باشند. این فهرست بسیار بلند بالا بود؛ بزرگراه ها، کارخانه ها، تاسیسات تولیدی، لوله کشی آب، بیمارستان، زایشگاه، فرودگاه، دبستان، دبیرستان، دانشگاه، هتل، رستوران و در سطح خانوادگی دسترسی به امکانات آموزشی و بهداشتی.

از سوی دیگر، کم کم محدودیت های توسعه بی مبالات، نه

محیط زیست، جامعه‌های سالم، برآوردن نیازها، نسل آینده و... همه در شمار مفاهیمی است که زیربنای توسعه پایدار را تشکیل می‌دهد. در این میان اصل، مردم هستند. توسعه پایدار تنها و فقط با توجه به مردم و برای برآوردن نیازهای مردم و برای بهبود کیفیت زندگی مردم است. مشارکت مردم باید در تمام مراحل هر پروژه تضمین شود. فرهنگ و ارزش‌های جامعه تنها معیاری است که باید برای پذیرش یا رد برنامه‌ها و پروژه‌ها مورد استفاده قرار گیرد. مفاهیمی مانند توسعه انسانی، استفاده از منابع، محیط زیست و پیشرفت تکنولوژیک در چارچوب‌های فرهنگی یک جامعه معنا پیدا می‌کنند. از این روی باید تمامی بنیاد فرهنگی توسعه را شناسایی و تجهیز کرد (مرادحاصل، ۱۳۸۶).

توسعه پایدار

با توجه به اهمیت توسعه و نگرانی‌های حفظ محیط زیست که به برخی از آنها اشاره شد، برای احتراز از نابودی مطلق محیط زیست، همه انسانها- هم تصمیم‌گیران و هم مردم دیگر- در ابعاد جهانی یا ملی و بویژه در سطح محلی باید این واقعیت مهم را دریابند که پیشرفت و توسعه لازم است روندی پایدار داشته باشد و از ثمرات آن نه تنها نسل‌های حاضر که نسل‌های آینده نیز بهره‌مند شوند (دیرباز، ۱۳۸۰: ۱۰). توسعه مردم معاصر نباید به قیمت نابودی و اضمحلال زندگی آیندگان که برای دفاع از حقوق خود در حال حاضر حضور ندارند، تمام شود.

هنگامی که در سال ۱۹۸۷، گزارشی تحت عنوان «آینده مشترک ما»^۱ از جانب کمیسیون «برانت‌لند»^۲ انتشار یافت، مفهوم توسعه پایدار در بحث‌های مربوط به محیط زیست در مقابل توسعه، در کانون توجه واقع شد و این مفهوم در سال ۱۹۸۰ مورد پذیرش اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت (IUCN) قرار گرفت اما به طور کلی در محدوده گفت‌ووشنود طرفداران حفاظت محیط زیست محصور ماند و بنابراین تأثیری اندک بر طرز تفکر و بینش دولتها و مؤسسات کمک‌رسان برجای نهاد (شریعت، ۱۳۷۵).

مفهوم توسعه پایدار زمانی مطرح شد که موضوعات زیست

در این اجلاس، براساس توافق سران کشورهای صنعتی و غیرصنعتی در مورد روند توسعه کشورهای عقب‌مانده و نیز زدودن آلاینده‌هایی که حاصل کار کشورهای صنعتی است، منشوری با نام «دستور کار ۲۱»^۳ یا «منشور زمین» انتشار یافت که گویا می‌بایست در راه توسعه پایدار کشورهای جهان به کار رود. یکی از نتایج کنفرانس ریو تصویب دو معاهده مهم بین‌المللی به نام‌های «کنوانسیون تغییرات آب و هوا» و «کنوانسیون تنوع زیستی» است که هدف کنوانسیون اول، جلوگیری از تغییرات غیرعادی اقلیم و گرم شدن فاجعه بار کره زمین و هدف کنوانسیون دوم، جلوگیری از نابودی منابع طبیعی و گونه‌های جانوری و گیاهی روی زمین که حیات انسان وابسته به آنهاست، می‌باشد (موسوی، ۱۳۷۹: ۵۳).

جهت تحقق اهداف پیش‌بینی شده برای «دستور کار ۲۱» که در واقع استراتژی‌های آینده بشر (در قرن ۲۱) را برای توسعه و محیط زیست تبیین کرده است، کمیسیون توسعه پایدار با حمایت سازمان ملل متحد تشکیل شد. در کشور ما نیز با تصویب شورای عالی محیط زیست از شهریورماه سال ۱۳۷۲، کمیسیون توسعه پایدار با حضور نمایندگان سازمان‌های دولتی و غیردولتی تشکیل شده و یکی از وظایف مهم آن برنامه‌ریزی و تعیین سیاست و ارائه پیشنهادها برای اجرای «دستور کار ۲۱» است (مکنون، ۱۳۷۴).

1. Our Common Future
2. Brantland

3. Earth Summit
4. Agenda 21

۱۳۸۶). کلیه عوامل توسعه‌ای را می‌توان در توسعه اقتصادی خلاصه کرد. باید توجه داشت که عوامل رشد و عوامل توسعه، اثرهای متقابل متعددی بر یکدیگر دارند. رشد اقتصادی از یک سو سبب افزایش مصرف انرژی می‌شود و از سوی دیگر، به علت تعمیر و توسعه سیستم‌های کارآمدتر و افزایش بهره‌وری انرژی، رشد مصرف پایین می‌آید.

در پنجاه سال گذشته، به علت رشد روزافزون جمعیت، رشد حمل و نقل، توسعه انقلاب صنعتی و رشد تصاعدی بازرگانی جهان، میزان رشد و مصرف انرژی بسیار بالا بوده است اما در دهه‌های اخیر، از شتاب مصرف انرژی کاسته شده است. از مهمترین دلایل آن می‌توان افزایش قیمت حامل‌های انرژی و مشکلات زیست محیطی ناشی از مصرف سوخت‌های فسیلی و هسته‌ای را نام برد. عوامل متعددی در رشد و توسعه بخش انرژی مؤثرند که هر یک به نوعی ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با محیط زیست و توسعه پایدار دارند. این عوامل شامل فقر، نقش زنان، جمعیت، تغذیه، حمل و نقل، مصارف خانگی، بهداشت، مصرف سوخت‌های فسیلی و عوارض زیست محیطی تولید انرژی هستند.

سرمایه‌گذاری در بخش انرژی، از جمله عواملی است که در رشد اقتصادی کشورها نقش مستقیم دارد. تنها در سال ۱۹۹۰ میلادی، ۴۰۰ میلیارد دلار یعنی حدود ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان به این بخش تخصیص یافته است. به طور متوسط در سطح جهان ۵ تا ۲۰ درصد سرمایه‌گذاری‌ها به بخش انرژی تعلق دارد. پیش‌بینی می‌شود در یک دوره ۳۰ ساله (۱۹۹۰ تا ۲۰۲۰ میلادی) ۳۰ تریلیون دلار در بخش انرژی سرمایه‌گذاری شود. سهم کشورهای در حال توسعه که ۷۵ درصد جمعیت جهان و ۳۵ درصد تولید ناخالص داخلی را در برمی‌گیرند، حدود نصف این مقدار سرمایه‌گذاری است (شریعت، ۱۳۷۵).

در شرایط کنونی برای دولت‌ها دشوار است که در سایه متغیرهای فعلی، سکوت اختیار کنند و واکنشی نشان ندهند در حالی که بخش زیادی از ملت‌ها نسبت به محیط زیست آگاه‌تر شده‌اند. کشورهای صنعتی در پایان دهه ۶۰ اعتراف کردند که تدوین سیاست‌های جدید برای حمایت از محیط زیست، امری ضروری است (موسوی، ۱۳۷۹: ۵۶). کشورهای فوق به این نتیجه

اقتصاد جهانی به گونه‌ای جدایی‌ناپذیر با محیط زیست در ارتباط است؛ زیرا باید منابع طبیعی را استخراج، فرآوری و سپس بهره‌برداری کند. براساس اصل بقای ماده و انرژی، تمامی آن منابع نهایتاً باید به صورت ضایعات درآیند، اما این ارتباط کمی ضریب فشار بر محیط زیست را می‌توان به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش داد. به همین دلیل اثرات زیست محیطی فعالیت‌های اقتصادی را حتی در صورتی که امکان رشد و توسعه آن فراهم باشد، می‌توان کم کرد.

اگر علل تخریب محیط‌زیست در کارکردهای اقتصادی ریشه داشته باشد، راه‌حل نیز در همان نهفته است. کیفیت محیط‌زیست در تمام کشورها بالاخص در کشورهای فقیر از اهمیت بالایی برخوردار است؛ در واقع تخریب محیط‌زیست، ناشی از افت درآمد اقتصادی (کاهش تولید ناخالص ملی) است؛ بنابراین حفظ کیفیت محیط‌زیست و ذخیره منابع طبیعی به منزله اساس تأمین سلامت و رفاه تمامی شهروندان است.

چنبره اقتصاد بر فرهنگ و محیط زیست

توسعه اقتصادی، فرآیندی است که محور اصلی آن را رشد تولید ناخالص داخلی تشکیل می‌دهد (صادقی، ۱۳۸۳: ص ۱۷۱). برنامه‌ریزی توسعه با این هدف صورت می‌گیرد که امکانات و منابع ملی را در جهت رشد هرچه بیشتر تولید کالاها و خدمات مورد نیاز تجهیز کند. اگر کشوری به دنبال توسعه پایدار است، باید از منابع طبیعی خود با توجه به مسائل آلودگی هوا، فرسایش خاک، نابودی جنگل‌ها، آلودگی آب‌ها، بروز پدیده گازهای گلخانه‌ای، تخریب لایه اوزون و غیره بهره‌برداری کند و دید بلندمدت‌تری نسبت به رشد اقتصادی داشته باشد. در میان منابع طبیعی، مصرف انرژی و به ویژه حامل‌های فسیلی آن، در قرن حاضر، سهم به‌سزایی در برهم زدن توازن‌های زیست محیطی داشته‌اند.

رشد اقتصادی با انرژی و تحولات اقتصادی، ارتباطی اجتناب‌ناپذیر دارند. اقتصاد پویا، انرژی بیشتری می‌طلبد و تأمین انرژی بیشتر، نیازمند توانایی اقتصادی است. رشد به معنای افزایش سرانه مصرف و توسعه به معنای آبادانی، در برگیرنده کمیت‌هایی است که مصرف سرانه را تغییر می‌دهند (مرادحاصل،

نیست اما اقتصاددانان معتقدند که این آثار در اصل عبارتست از نتایج ثانوی عملیات تولید که با تولیدات نهایی در راستای فروش تفاوت دارد و واحدهای تولیدی خواهان ایجاد آن نیستند بلکه ناخواسته ایجاد می شوند. در ادبیات اقتصادی جدید به آثار جانبی فوق، هزینه های خارجی گفته می شود. به طور کلی هر پدیده ای که به رفاه شهروندان لطمه وارد کند اما به تبادل تجاری و نقدی مربوط نشود «هزینه های خارجی» می نامند. در حالی که این پدیده به طور تصادفی وارد زمینه اقتصاد نشده است. اما با توجه به افکار اقتصاددانان معاصر، تا مدت زمان طولانی از این پدیده چشم پوشی خواهد شد زیرا هزینه های خارجی در محاسبات واحدهای مسبب آلودگی جایی ندارد اگرچه آثار آن به اشخاص، تأسیسات دیگر و به طور کلی محیط لطمه وارد می کند. سهیل انگاری در خصوص بررسی آثار اقتصادی مرتبط به هزینه های خارجی به تحلیل های اقتصادی سنتی بازمی گردد. به طوری که از زمان «آدام اسمیت» به ظواهر مختلف بازار، کالاها و خدمات پرداخته می شد. در حالی که پیروی از این شیوه، شیوه درستی نیست؛ برای مثال مسئله هوا در تبادلات تجاری فاقد اهمیت است در حالی که زندگی انسان ها بدون وجود هوای سالم امکان پذیر نیست.

فرهنگ

فرهنگ در بین حلقه های سه گانه توسعه پایدار، در حلقه جامعه و در ارتباط با انسان جای می گیرد. بدین ترتیب هرگونه توسعه بدون توجه به نیازهای جامعه انسانی و بدون توجه به ظرفیت محیط، پایدار نبوده و بلاشک آسیب هایی را در پی خواهد داشت. از این رو آگاهی از مفهوم فرهنگ به عنوان منشاء شکل گیری بسیاری از نیازهای انسان امروز، ضروری است. تعریف فرهنگ با وجود متفاوت بودن از دیدگاه علوم مختلف مانند مردم شناسی، جامعه شناسی و ... دارای درون مایه ادب و تربیت است. یکی از تعاریف عمومی و مشترک در حوزه علوم مختلف این است که فرهنگ مجموعه ارزش ها، رفتارها و ویژگی هایی است که به زندگی انسان معنا می دهد و دستمایه های زندگی را تدارک و بازپرداخت می کند. این مجموعه در برگیرنده تمامی میراث ها، تجربه ها، اثرها، پدیده ها و باورهایی است که در

رسیدند که فقط تشویق برای افزایش تولید کالاها و خدمات کافی نیست بلکه باید به بهبود کیفی زندگی شهروندان نیز توجه شود. در سایه سیاست هایی که در این راستا تصویب شد، تولید دی اکسید کربن علی رغم نشاط اقتصادی تا حدی کاهش یافت و آلودگی تعدادی از رودخانه ها و دریاچه ها کمتر و کیفیت هوا خصوصاً در شهرهای بزرگی همچون توکیو، لندن و پاریس بهتر شد.

دیدگاه های پژوهشگران در خصوص مکانیزم های سیاست های زیست محیطی به سه بخش عمده تقسیم می شود:

۱. برخی معتقدند که مکانیزم های بازار پس از توسعه می تواند مانع بحرانی شدن مشکلات محیط زیست شود و جایگاه اقتصاد را نیز حفظ کند.

۲. بخش دیگری از پژوهشگران بر این باورند که بهترین استراتژی برای حمایت از محیط زیست و بهبود کیفیت آن عبارتست از: اقدام دولت ها در راستای تدوین قوانین و لوایح الزام آور در خصوص حفظ محیط زیست و عدم لطمه زدن به آن.

۳. گروه سوم از پژوهشگران گزینه وضع مالیات را مطرح می کنند. این گروه اعتقاد دارند، تحمیل مالیات بر عوامل آلوده کننده و آسیب رسان به محیط زیست باعث می شود تا افراد، تأسیسات آلوده کننده و جامعه دریابند که وارد کردن خسارت به محیط زیست برایشان هزینه دارد و آنها این هزینه را در محاسبات و برنامه ریزی ها برای تولید و مصرف در نظر می گیرند و سرانجام مالیات آنها را وادار می کند تا وارد کردن خسارت به محیط را به کمترین حد ممکن تقلیل دهند (مکنون، ۱۳۷۴).

با نگاهی به نظرات اقتصاددانان به این نتیجه می رسیم که دیدگاه های آنها درباره مسائل فوق با هم اختلاف دارد و آنها برای ریشه کنی مشکلاتی که محیط زیست را هدف قرار داده است برنامه خاصی ندارند بلکه هدف آنها دست یابی به میزان آلودگی است که برای محیط زیست قابل تحمل باشد و این مسئله به طور کامل با خواسته های پژوهشگران علوم طبیعی تناقض دارد و طرفداران حمایت از محیط زیست را ناامید می کند. با وجود اختلافاتی که اقتصاددانان با همدیگر دارند به این مسئله اعتراف می کنند که سیستم فعلی تولید، آثاری را از خود برجای می گذارد که برای محیط زندگی انسانها مناسب

حفظ الصمه‌ی یهودیان، نمونه‌ای بارز از تأثیر فرهنگ و اخلاق که عادات غذایی را محدود می‌کند، وجود دارد. این ضوابط به طور اساسی به تشخیص و تمایز طبقاتی که جدا بوده و همچنین باید جدا بمانند تمسک می‌کنند. به وسیله تغذیه، انسانها از خدا متمایز و خود آنها نیز از یکدیگر جدا می‌شوند. همین طور به وسیله تغذیه، پاکی از ناپاکی تشخیص داده می‌شود. در اسلام نیز امساک و دستورهایی در ارتباط با مواد غذایی، تهیه آنها و نحوه مصرف آنها وجود دارد که موارد حلال و حرام از این قسم است (مرادحاصل، ۱۳۸۶).

بنابراین می‌توان محیط زیست طبیعی، وضعیت، حالت، منظره‌ها و چشم‌اندازهای کنونی را تجسمی از فرهنگ، آداب و رسوم، مذهب و سیر تحولات ساکنان سرزمین‌ها دانست. این بدان معنی است که هر نوع کاستی یا آلابشی در این محیط نیز تجسمی از زشتی و کاستی در فرهنگ و آداب و رسوم آن جامعه است.

در ۷۶ سال گذشته در ایران ناگواری‌های زیست محیطی متعددی به وقوع پیوست که اکنون نیز ادامه دارد (احداث جاده ابر در جنگل‌های هیرکانی، احداث جاده در پارک ملی گلستان، و ...). همچنین به تفضیل آورده شد که این حوادث محدود به ایران نبوده و در سراسر دنیا به وقوع پیوسته است. بنابراین با توجه به نظام عرضه و تقاضا، مدیریت برداشت از منابع محیطی زمانی سودمند خواهد بود که تقاضاها شکل منطقی به خود گیرند. برای مدیریت تقاضا نیز دولت‌ها و نهادهای مردمی (NGOها) با توجه به ریشه‌های تاریخی و سرزمینی هر جامعه می‌توانند از تمام ابزارهای ممکن برای آگاه‌سازی افراد جامعه از وضع موجود منابع که بسیار بحرانی می‌باشد استفاده کرده و آنها را نسبت به اصلاح این وضعیت از طریق اصلاح روش‌های مصرف تشویق نمایند. برای مثال، همانگونه که ذکر شد یکی از مهمترین منابع آلاینده محیط زیست، سوخته‌های فسیلی هستند که مصرف بی‌رویه آنها به خصوص در بخش حمل‌ونقل، معضل گریبانگیر بسیاری از کشورهای دنیا است. در این ارتباط فرهنگ‌سازی می‌تواند با کوتاه‌تر کردن مسیرهای تردد روزانه، احداث مسیرهای پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری، گسترش شبکه حمل‌ونقل عمومی و تشویق مردم به استفاده از آنها انجام شود (مکنون، ۱۳۷۴ و موسوی،

گذر نسل‌ها از روزگاران شکل گرفته است (یونسکو، ۱۳۷۸). فرهنگ از ابتدای پیدایش مفهوم واحد و مشخصی نداشته است؛ اما ظاهراً از اواخر قرن ۱۸ در مطالعاتی که مستشرقین و صاحب‌نظران تاریخ، در باب تمدن جوامع گوناگون جهان داشته‌اند، این مفهوم شکل گرفته و ظاهر شده است. واژه فرهنگ (Culture) از فرانسه عاریت گرفته شد.

در زبان انگلیسی مفهوم کلمه فرهنگ تحولات دیگری می‌یابد، این واژه اولین بار توسط "E. Btylor" در کتاب (Primitive Culture, 1871) به کار گرفته شد. «تایلور»، فرهنگ را مترادف با تمدن می‌داند، او در ابتدای کتاب خود، تعریفی از فرهنگ را ارائه می‌دهد که پس از او بارها نقل شده است. فرهنگ یا تمدن به مفهوم قوم‌نگاری عام خود، مجموعه پیچیده‌ای است مشتمل بر معارف، معتقدات، هنر، حقوق، اخلاق، رسوم و تمام توانایی و عادت‌هایی که بشر به عنوان عضوی از یک جامعه دریافت می‌کند. این تعریف، یک توصیف است و بر این مسأله تأکید دارد که فرهنگ دیگر به معنای پیشرفت یا شدن نیست، بلکه مجموعه‌ای از امور واقع است که مستقیماً در یک مقطع زمانی خاص قابل مشاهده است و حتی می‌توان آنها را دنبال نمود (Beckerman, ۱۹۹۲).

فرهنگ و محیط زیست

بوم‌شناسان، الگوهای توسعه گونه‌های حیوانی و گیاهی را بررسی می‌کنند و به آثار فناوری‌های کشاورزی انسان بر گونه‌های حیوانی و گیاهی توجه دارند اما نوع برخورد افراد با محیط زیست و روش کار آنها در آن، جهت تهیه مواد غذایی و یا امور دیگر، روشی است که تنها به وسیله ظرفیت فیزیکی این محیط برای مساعد ساختن پاره‌ای از نمونه‌های گیاهی و حیوانی القاء می‌شود و همچنین با بینش جامعه و چگونگی برداشت آدمیان از طبیعت و روابطی که با بقیه جهان دارد، در ارتباط است.

سبک تغذیه برای مثال، در عمل، بازتاب طبیعی اوامر و نواهی مذهبی، فرهنگی، فلسفی و حتی اخلاقی مردمانی است که به صورت اختلاف در چگونگی تولید مواد غذایی و بهره‌مندی از راه‌های فنی در محیط‌های جغرافیایی ویژه بروز کرده و خصلت و موجودیت مستقل خود را می‌نمایاند. (در ضوابط امساک و

(۱۳۷۹).

که اگر همه کارکردهای آن به کمک اقتصاد زیست محیطی به ریال محاسبه شود، آنگاه متوجه خواهیم شد که ارزش جنگل در درازمدت کمتر از ذخایر نفتی کشور نیست. اگر این مسوولان با اهمیت و ارزش های تالاب ها آشنا باشند آن وقت نخواهند گفت تالاب بی فایده را خشک می کنیم تا به زمین کشاورزی تبدیل کنیم. چنین تصمیماتی آدمی را به یاد یکی از پادشاهان قاجار می اندازد که پس از شکست در جنگ بین ایران و روسیه مجبور شد نصف دریای مازندران را به روس ها بدهد و بعد خوشحال بود که سر روس ها کلاه گذاشته و آب شور را به آنها داده است، غافل از آنکه همین آب شور ارزش بسیار بالای اقتصادی و به خصوص زیست محیطی دارد. این موارد و بسیاری موارد دیگر نشان می دهد که در کشور ما به امر اطلاع رسانی و فرهنگ سازی توجه زیادی نشده و یک برنامه مدون طولانی مدت و زیربنایی در این راستا وجود ندارد در حالی که اثربخشی آن بسیار بالاست؛ به طوری که در یک برنامه سه ساله و از طریق فرهنگ سازی، میزان مصرف آب در شهر سن خوزه امریکا ۲۳ درصد کاهش یافت و در شهر صنعتی و پرجمعیت فرانکفورت آلمان مردم توانستند به کمک فرهنگ سازی ۳۲ میلیون یورو صرفه جویی کنند (عباس پور، ۱۳۷۷). فرهنگ سازی در زمینه حفاظت از محیط زیست باید از خانواده آغاز شود و در مدارس و دانشگاه ها ادامه یابد و این امر مهم را برای بزرگسالان می باید در جامعه، رسانه های گروهی، کانون های فرهنگی، سازمان های غیردولتی و بسیاری از وزارتخانه ها و سازمان های مرتبط دولتی در سطح کشور ادامه دهند تا جایی که روزی هر ایرانی خود را حافظ محیط زیست بداند و حراست و حفاظت از آن را یک وظیفه ملی و یک فریضه دینی به حساب آورد. برای رسیدن به این هدف ضرورت دارد والدین، کودکان خود را در خردسالی با اهمیت محیط زیست آشنا سازند. در کودکان، اشعار زیست محیطی به نونهالان آموخته شود و کتب درسی همانند همه کشورهای پیشرفته جهان، محیط زیستی شود. چرا نباید در سطح دبیرستان و در همه رشته های دانشگاهی، درسی تحت عنوان «شناخت و حفاظت محیط زیست» تدریس شود؟ رسانه های گروهی نیز نباید وظیفه ملی و قانونی خود را فراموش کنند بلکه شایسته است بیشتر بنویسند و بیشتر بگویند

ناآگاهی از مسائل زیست محیطی سبب شده که با بی توجهی و سهل انگاری با طبیعت و عناصر تشکیل دهنده محیط زیست برخورد کنیم و همان طوری که مثال های زیر نشان می دهد حتی نابودی این حلقه های تعادل حیاتی را با افتخار اعلام و خود را نابودکننده آن معرفی کنیم.

(۱) ظل السلطان آخرین شیر ایران را شکار کرد و به این موضوع هم افتخار می کرد.

(۲) یکی از خوانین بجنورد آخرین بزرگان را شکار کرد که خود نیز بعداً در دهه پنجاه شمسی، معاون سازمان حفاظت محیط زیست ایران شد.

(۳) بسیاری از جانوران در حال انقراض مانند یوزپلنگ و درختانی مانند سرخدار، شمشاد و غیره که شکار آنها قدغن و ممنوع القطع هستند، به وسیله برخی افراد ناآگاه، قطع یا شکار می شوند و از بین می روند.

(۴) نسل برخی آبیان مانند ماهی ازون برون، سفید و آزاد در اثر صید بی رویه و بی توجهی و ناآگاهی صیادان، در معرض خطر نابودی قرار دارد.

(۵) در اثر ناآگاهی در منازل، آب، برق و گاز بیش از حد لازم مصرف می شود که این روش مصرف، مشکلاتی برای جامعه تولید کرده است.

(۶) بی اطلاعی ما از مسائل محیط زیستی سبب می شود زباله منازل، بیمارستان ها و صنایع در اطراف شهرها به صورت غیربهداشتی انباشت یا دفن شوند و آلودگی آب، هوا و خاک را به همراه آورند.

این ناآگاهی فقط محدود به مردم عادی نمی شود، بلکه متأسفانه برخی از مسئولان شهرها و استان ها هم در اثر همین بی اطلاعی تصمیماتی را می گیرند که بر محیط زیست آثاری بسیار مخرب و شکننده دارد. از جمله این تصمیمات، تخریب و تبدیل جنگل به مناطق صنعتی و تغییر کاربری های مختلف و همچنین تخریب تالاب ها با اهداف مختلف است.

این مسئولان معتقدند بهتر است به جای جنگل که فقط چوب تولید می کند کارخانه تاسیس کنیم تا شغل و درآمد ایجاد شود، غافل از اینکه جنگل دارای ۱۸ کارکرد مهم است

و از وجود متخصصان در اجرای برنامه های خود استفاده کنند. تهیه شعار و اجرای برنامه به مناسبت روز یا هفته خاص مانند «هفته هوای پاک»، «هفته محیط زیست» و... و سپس به دست فراموشی سپردن تا سال بعد کافی نیست. برنامه اطلاع رسانی و فرهنگ سازی باید تداوم داشته باشد و حداقل روی یک نسل کار شود تا نتیجه مثبتی از آن به دست آید.

دیدگاه اسلام درباره حلقه فرهنگ و محیط زیست

جامعه اسلامی، فرهنگی متأثر از این تعالیم و آموزه ها دارد لذا پرداختن به آنها در جهت تأکید بر اهمیت مقوله استفاده پایدار از محیط زیست در فرهنگ اسلامی است. مطالعه دستورالعمل های اسلامی این حقیقت را آشکار می سازد که اسلام و آموزه های اسلامی توجه بسیار زیادی به حفظ محیط زیست و توسعه پایدار، در بهترین معنی آن داشته است. به زبان ساده، در صورت محقق شدن دستورهای اسلام، منابع طبیعی به صورت مناسب مورد بهره برداری قرار گرفته و در این صورت، طبیعت توان جایگزینی آن منابع را خواهد داشت. در مورد منابع محدود نیز باید بهره برداری به صورت منطقی صورت بگیرد.

با توجه به مباحثی نظیر مدیریت اموال (که شامل انفال هم می شود) و همچنین با ذکر دستورالعمل های اسلامی که دخالت افراد غیرمتخصص در تصمیم گیری ها را مذمت می کند، این حقیقت آشکار می شود که اسلام با توجه جدی به بحث انفال، آن را به عنوان یک منبع اساسی حکومت اسلامی مورد توجه قرار داده است.

با تأمل در تعالیم اسلامی، به راحتی می توان آموزه هایی را یافت که بیانگر دیدگاه کلی اسلام درباره چگونگی توسعه اقتصادی با توجه به پیامدهای زیست محیطی است. مهمترین این تعالیم به قرار زیر است (محقق داماد، ۱۳۷۳):

۱. تأسیس اعتقادات اسلامی در فعالیتهای اقتصادی: اصل اعتقاد به خداوند و معاد و نیز هشدارهای دین مقدس اسلام در مورد احتراز از دنیاگرایی و همچنین توجه به زودگذر بودن آن و قناعت در زندگی کاری و فعالیت اقتصادی، موجب می شود که سودجویی، ثروت اندوزی و تجمل گرایی اعتبار خود را از دست داده و اصل تعادل در تمامی وجوه مصرف جایگزین آن شود.

۲. ثروتهای طبیعی در اختیار عموم مردم بوده و نباید استفاده و بهره برداری عده ای، موجب زیان دیگران شود. با توجه به آیات شریفه: «خُلِقَ لَكُمْ مَافِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (البقره، ۲۹) همه موجودات را برای شما خلق کرد. «وَالْأَرْضُ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ» (الرحمن) و زمین را (با هزاران نعمت) برای (زندگانی) خلق مقرر کرد. می توان گفت عموم مردم حق دارند از منابع طبیعی استفاده کنند. مرحوم علامه طباطبایی فرموده اند: «ثروتهای جهان، ملک حقیقی خداوند است و خداوند اجازه فرموده است افراد این ثروتها را مطابق مقررات به خود اختصاص دهند» (المیزان ذیل آیات ۲-۹ سوره النساء). بر این اساس ثروتهای طبیعی و منابعی که خداوند متعال در کره زمین و اطراف آن ذخیره کرده است پیش از آن که برای تولید یا مصرف مورد استفاده قرار گیرد، در اختیار عموم مردم است و استفاده از آنها شرایطی دارد که باید به آنها توجه لازم شود.

۳. اختیارات حاکم اسلامی در کنترل فعالیتهای اقتصادی: دین مقدس اسلام حق کنترل و ایجاد محدودیت در فعالیتهای اقتصادی را به دولت اسلامی داده است. اساس این حق بر اصل حاکمیت ولی امر و رهبری استوار است و بر مبنای آن حاکم اسلامی می تواند از هر فعالیت اقتصادی که برخلاف مصالح اجتماعی و ارزشهای اسلامی باشد جلوگیری کند: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ». ای اهل ایمان! فرمان خدا و رسول و فرمانداران (از جانب خدا و رسول) را اطاعت کنید. پس اطاعت از اینان وظیفه مسلمین است.

۴. حاکم اسلامی علاوه بر وظیفه کنترل و نظارت بر فعالیتهای اقتصادی، بر قسمتی از ثروتهای عمومی نیز حق مالکیت دارد: یکی از این موارد «انفال» است که شامل اراضی بایر، رودخانه ها، دریاها، کوه ها، نزارها، جنگل های طبیعی و... است. «از آنجا که در رأس دولت اسلامی، ولی فقیه عادل قرار دارد و بر فعالیت اقتصادی دولت نظارت می کند، انتظار می رود چنین فعالیت هایی با رعایت مصالح جامعه اسلامی به انجام برسد. به خاطر وجود بخش انفال در مالکیت دولت اسلامی، مدنظر قرار دادن اولویتهای زیست محیطی در کنار اهداف اسلامی و مصالح اجتماعی امری بدیهی است زیرا بخش دولتی مانند بخش خصوصی در پی حداکثر کردن سود خود نیست و اهداف اساسی

تبری را در فعالیت اقتصادی مدنظر قرار می دهد. به عبارت دیگر

از آنجا که بخش عمده‌ای از منابع طبیعی (انفال) در مالکیت حاکم اسلامی قرار دارد، فعالیت در این بخش به گونه‌ای خواهد بود که زیانی به آن وارد نشود». با توجه به این که انفال جزئی از اموال حکومت اسلامی است و با توجه به نقش حساس حکومت اسلامی در استفاده بهینه از این منابع، می توان به اهمیت فوق العاده اموال و استفاده عقلایی از آن پی برد. خداوند اموال را مایه قوام می داند. بحث قوام اموال در باب انفال (نظر نگارنده) همان بحث توسعه پایدار در اقتصاد رایج است. در ادامه به بحث و بررسی بحث قوامیت اموال می پردازیم.

در اسلام حق حکومت در اصل از آن خداوند است و منشأ مشروعیت حکومت اسلامی از اراده تشریحی اوست. این حق را خداوند به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) و نمایندگان آنان داده است. حکومت اسلامی دارای مالکیت‌ها، اختیارات و وظایف گسترده‌ای در اقتصاد است که امکان نظارت یا مداخله وسیعی را برای دولت فراهم می سازد. به علاوه دولت اسلامی وظیفه دارد در بخش اجرای احکام و قوانین ثابت اسلام در زمینه اقتصاد که به وسیله شارع تعیین شده، پیگیری و نظارت داشته باشد. حاکم اسلامی با تکیه بر نظام تصمیم گیری خاص، مسایل مستحدثه را شناسایی و بر اساس اصول و قواعد کلی فقه، حکم مناسب را صادر می کند. گاهی نیز تأمین مصالح مهم تر اسلام و مسلمین اقتضا می کند که پاره‌ای از احکام اسلام به طور موقت تعطیل شود. تشخیص چنین مواردی و صدور حکم مناسب درباره آنها بر عهده حاکم اسلامی است. همچنان که موضوع علم اقتصاد، بررسی و مطالعه «ثروت» از جنبه تولید، توزیع و مصرف آن است، در اقتصاد اسلامی نیز تمرکز اصلی مباحث اقتصادی بر روی نحوه تملک و توزیع اموال و ثروتهای طبیعی است. در اصطلاح حقوقی «مال» به چیزی گفته می شود که قابل استفاده بوده و از نظر اقتصادی ارزش مبادله ای داشته و قابل تبدیل به پول باشد (۴). بنابراین ثروت یا مال از دیدگاه اسلامی چیزی است که دارای ارزش مستقیم یا غیرمستقیم مبادلاتی بوده و دارای منفعت عقلایی باشد. جایگاه و ویژگی اموال در نگرش اقتصاد اسلامی، متأثر از جهان بینی الهی و نظام تشریح اسلامی است. بر این اساس، اموال از دیدگاه اسلامی

از اصول و ویژگی های زیر پیروی می کند:

الف - اموال متعلق به خداست (خداوند مالک حقیقی است).

ب - اموال ودیعه ای و عاریتی است.

ج - اموال مایه قوام و استواری جامعه است.

نظام قوامی، اصطلاحی برگرفته از قرآن است و منظور از آن اقتصادی است که موجب سامان یافتن زندگی همه افراد باشد؛ نه کسی محروم ماند و نه کسی بی حساب برخوردار شود.

انفال، همان ثروتهای عمومی جامعه است که دولت اسلامی تصدّی امور آن را بر عهده دارد و واضح است که از حساس ترین وظایف حکومت اسلامی، مسأله حفظ و بهره برداری از این منابع (انفال) است (نصر، ۱۳۷۷).

مال. م به قوام است

مال، قوام زندگی است و اگر درست از آن استفاده شود منشأ خیر و سعادت برای انسان می گردد و اگر ناصحیح و غیرمشروع به کار گرفته شود، موجب هلاکت و نابودی خواهد بود. به طور کلی «اکل مال به باطل» به معنای عام و وسیع آن سبب هلاکت و نابودی مردم و از هم گسیختگی جامعه اسلامی است. اینک به بررسی معنی و مفهوم کلمه قوام در آیات و روایات وارده می پردازیم:

علامه طباطبایی (ره)، صاحب تفسیر المیزان، در خصوص آیه پنجم از سوره نساء که می فرماید: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» این گونه می فرماید که: «اصل کلمه قیام همان قوام است که واو قلب به یا شده است، یعنی قوام حیات، مال است و آیه تأکید بر آن دارد که اموالی که مایه حیات است را به سفیهان ندهید و مراد از سفیهان افراد غیر راشد از ناحیه عقل است؛ چراکه اموال خود را در غیر مصالح معقول مصرف می کنند». از این آیه این نکته به دست می آید که حیات بدون مال، هیچ قوام و استحکامی ندارد (من لا معاش له لامعاد له) (حکیمی، ۱۳۷۱ و محقق داماد، ۱۳۷۳).

حد و تعریف اسلام برای مال، «قیام» برای فرد و «قوام» برای جامعه است. کلمات قیام و قوام در لغت به یک معناست. (و هو ما یقوم به الشی و یتثبت). به قول راغب اصفهانی: «القیام والقوام لما یقوم به الشی ای یتثبت، کالعماد و التّناد، لما یعمد

و پسند به». آن چنان که خداوند می فرماید: «ولا توتوا السفها اموالکم التي جعل الله لکم قیاما» یعنی به آن تمسک می جوئید. و منظور از آن در این آیه آن چیزی است که به واسطه آن حیات آحاد جامعه برپاست.

امام صادق (ع) می فرماید: «القوام و ضدّه المکاتره» و «القوام هو الوسط». لازم است که اینجا تفریقی بین کلمه قوام و قوام بگذاریم. کلمه قوام با فتح به معنای «ما یعاش به» و «ما یکفی الانسان من القوت» است. آن چنان که صاحب «القاموس» می فرماید: «القوام کسحاب، ما یعاش به» و قوام با کسر به معنای «نظام الامر و عماده» است و در «لسان العرب»: «القوام هو الوسط» ولی باید گفت که هر دو کلمه از یک مصدر هستند. بنابراین الاقتصاد القوامی (یا القوامی) آن است که به واسطه آن زندگی جمهیر برپا شود و این عیش براساس توازن و عدل باشد. «فیومی» می نویسد: «القوام بالكسر ما یقیم الانسان من القوت و القوام بالفتح العدل و الاعتدال. قال الله «وکان بین ذلک قواما» ای عدلاً و هو حسن القوام ای الاعتدال». از اینکه گفتیم که اموال مایه قوام و قیام اند (موضع الهی برای مال)، چند نکته اساسی به دست می آید (حکیمی، ۱۳۷۱: ۱۳۷-۱۴۰):

۱. همانسا موضع الهی مال که همان قوام (... و کان بین ذلک قواماً) و نیز همان قیام است (... اموالکم التي جعل الله لکم قیاماً) باعث نفی افساد مال و مانع از تزییع مال چه به صورت جزئی و کلی و چه به صورت فرعی و اصلی در مراحل تولید، توزیع و مصرف به صورت کیفی و کمی می شود؛ چرا که افساد مال با موضع الهی آن متضاد است. امام باقر (ع) می فرماید: «آن رسول الله (صل الله علیه و آله) نهی عن ... فساد المال ... و قال: "و لاتوتوا السفها ... قیاما».

۲. موضع الهی برای مال باعث می شود از اکل مال به باطل به هر نحوی جلوگیری شود؛ زیرا حرکت مال به باطل با حرکت قوامی صحیح آن متضاد است. در اینجا نکته مهمی نهفته است که از قول معصوم (ع) داریم: «کما حَظَر علی السفیه ...» و آن این است که همانا قوامیت مال واجب می کند که مال را به سفیه ندهیم چرا که سفیه قوام را از غیرش تمییز نمی دهد و آنچه را که قوام است ضایع می کند.

۳. همان موضع مذکور برای مال، مانع از توقف مال به صورت

ثروت اندوزی می شود و علت آن همان است که ذکر شد؛ چرا که مال از موضع قوامی خارج می شود. امام صادق (ع) می فرماید: «القوام و ضدّه المکاتره». حال چرا نباید اموال را به دست سفها و غیرمتخصصین داد؟ آیه قرآنی مربوطه که پیش از این تفسیر آن گذشت به قرار زیر است: «و لاتوتوا السفها اموالکم التي جعل الله لکم قیاما» و احادیث:

۳.۱. التبی (صل الله علیه و آله): «مَنْ عَمَلَ عَلٰی غَیْرِ عِلْمٍ کَانَ مَا یُفْسِدُهُ اَکْثَرَ مِمَّا یُصْلِحُهُ». کسی که بدون علم و آگاهی اقدام به عمل نماید، فساد و ضرر در آن امر بیشتر از منفعت آن خواهد بود.

۳.۲. الامام علی (ع): «ایها الناس!... لاخیر فی دنیا لاتدبیر فیها». ای مردم!... در امور دنیوی که در آن تدبیر نباشد خیری هم نیست.

۳.۳. الامام علی (ع): «لا مالَ اَعُوذُ مِنَ الْعَقْلِ ... و لا عَقْلَ کالتدبیر». هیچ مالی سودمندتر از عقل نیست... و هیچ عقلی مثل تدبیر در کار نیست.

۳.۴. الامام الصادق (ع): «... انّ من فنا الاسلام و فنا المسلمین، انّ تصیر الاموال فی ایدی من لا یعرف فیها الحق و لا یضیع فیها المعروف». ... همانا آن چه که موجب فنا و نابودی اسلام و مسلمین است این است که اموال در دست کسی باشد که حق را در آن تشخیص نمی دهد و آن چه را که شایسته آن کار است انجام نمی دهد.

از این احادیث این چنین برداشت می شود که نباید اموال را به دست ناهلان و غیرمتخصصین سپرد، زیرا باعث تزییع مال می شود و این خود یکی از مصادیق اکل مال به باطل می باشد که آیه زیر دلالت بر این امر می کند:

«یا ایها الذین آمنوا لاتاکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکنون تجاره عن تراض منکم و لاتقتلوا انفسکم ان الله کان بکم رحیماً» (نساء، ۲۹). نکته مهم در این آیه آمدن جمله (لاتقتلوا انفسکم) در ذیل آیه (لاتاکلوا اموالکم بینکم بالباطل) می باشد که اشاره ای گویا به این نکته است که در منابع اسلامی به موازات تاکید بر اصل تحقق عدالت اجتماعی و نقش آن در حیات سالم و رسیدن انسان به کمال، بر بهره گیری صحیح از اموال به عنوان وسیله ای برای رسیدن به هدف نیز تاکید شده است،

به عبارت دیگر، هر فرهنگی به انسان یک نوع رفتاری را تحمیل می کند. بنابراین اگر به دنبال بهینه سازی مصرف انرژی در جوامع انسانی برای امتناع از ایجاد آلودگی های بیشتر در محیط هستیم، ابتدا باید بستر فرهنگی لازم را ایجاد نمائیم.

تلاشها در جهت اصلاح الگوهای فرهنگی جامعه بشری باید متوجه نوع نگرش به محیط زیست در درجه اول و نیز شفاف سازی نقش تک تک افراد در اصلاح وضع موجود باشد. در مورد اول لازم است تا با استفاده از تمام ابزارهای ممکن اعم از رسانه (رادیو، تلویزیون، روزنامه، خبرنامه، بولتن)، برپایی نمایشگاه هایی با موضوع حفاظت از محیط زیست، برگزاری دوره های آموزشی همگانی در مورد آلودگی ها و محیط زیست و ... از میزان خودخواهی افراد بشر کاسته و آنها را متوجه ساخت که برخورد منفعلانه با آلودگی ها به مثابه برخورد نکردن با کسی است که در یک کشتی نشسته و مشغول سوراخ کردن همان کشتی است و به زودی موجبات هلاک خود و دیگران را فراهم خواهد آورد. به علاوه باید سیاست گذاری ها در حوزه فرهنگ جوامع به گونه ای باشد که به فرد آموزش های لازم جهت شناسایی این موقعیت خاص داده شود و نیز نوع همکاری وی در مقابله با این وضعیت برایش تشریح شود.

منابع:

- بوتکین، دانیل و کله، ادوارد. (۱۳۷۹). مسائل محیط زیست: فرسایش لایه ازن، گرم شدن زمین و آلودگی هوا. ترجمه یونس کریم پور. انتشارات جهاد دانشگاهی. آذربایجان غربی.
- بونفو، ادوارد. (۱۳۷۵). آشتی انسان و طبیعت. ترجمه صلاح الدین محلاتی. مرکز نشر دانشگاهی. تهران.
- حسین زاده دلیر، کریم. (۱۳۸۰). برنامه ریزی ناحیه ای. انتشارات سمت. تهران.
- حکیمی، محمدرضا. علی، محمد. (۱۳۷۱). الحیات. ج چهارم. چاپ هفتم. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ژیزل، اسکورو. (۱۳۷۲). آب و هوا و محیط زیست (عوامل محلی آب و هوا). ترجمه شهریار خالدی. تهران.
- شریعت، سیدمحمود. (۱۳۷۵). مقدمه ای بر ارزیابی اثرات زیست محیطی. انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست. تهران.
- صادقی، حسین و سعادت، رحمان. (۱۳۸۳). رشد جمعیت، رشد اقتصادی و اثرات زیست محیطی در ایران. مجله تحقیقات اقتصادی. شماره ۶۴.
- طباطبایی، سید محمد حسین المیران.
- عباس پور، مجید. (۱۳۷۷). مهندسی محیط زیست. جلد اول. چاپ دوم. انتشارات

و حرکت های ناسالم اقتصادی، اجحاف ها، برخوردهای ظالمانه و دغل کارانه و اکل مال به باطل مردود شده است (نصر، ۱۳۷۷).

با دقت در این مباحث معلوم می شود که تلاش در جهت تخریب کمتر طبیعت و حفظ محیط زیست مطلبی نیست که تعالیم اسلامی با آن مخالف بوده یا به آن توجه نداشته باشد بلکه مجموعه تعالیم اسلام به گونه ای است که در صورت پیاده شدن آنها، نه تنها توسعه پایدار به شکل مطلوب آن، بلکه مزایای فراوان دیگری را نیز به دنبال خواهد داشت. می توان گفت با اجرای تعالیم اسلامی، استفاده از منابع طبیعی به صورت بهینه و در حدی خواهد بود که طبیعت بتواند آن را جبران نماید و در منابع جبران ناپذیر به صورت کارآمد از آنها بهره برداری خواهد شد. از بحث های مربوط به قومیت مال (که شامل انفال هم می شود) و نیز رهنمودهای دینی، برای نسپردن اموال به دست اشخاص غیر متخصص و غیر راشد و همچنین با توجه به وظایف حاکم اسلامی، این نکته به خوبی آشکار می شود که اسلام در قبال مسأله انفال به عنوان یکی از منابع مالی حکومت اسلامی سکوت نکرده است.

نتیجه گیری

به طور کلی در ابتدا باید وضع طبیعی محیط و سپس وضع طبیعی انسان را مورد شناسایی قرار داده و ارتباط میان این دو را به خوبی درک کرد. پس از آن باید این درک را مبنای تصمیم گیری در مورد توسعه قرار داد. محیط زیست، تجسمی از فرهنگ، آداب و رسوم، مذهب و سیر تحولات انسانهاست. این بدان معنی است که هر نوع کاستی یا آلاچی در این محیط نیز تجسمی از زشتی و کاستی در فرهنگ و آداب و رسوم آن جامعه است. فرهنگ هر اجتماع نیز یکی از ارکان ساختاری شخصیت افراد آن جامعه است. پیدایش آلودگی های زیست محیطی نیز ریشه در یک ویژگی شخصیتی دارد که آن «خودخواهی» است. بنابراین جامعه بشری باید خویش را در جهت کمرنگ تر کردن این ویژگی ناپسند، تربیت ساخته و پایه های فرهنگی آن را نابود سازد.

ماحصل هر تمدن و فرهنگ، یک نمونه جامع رفتاری است که هدایت کننده ایده آل ها و تمایلات افراد در هر جامعه است.

- یونسکو. (۱۳۷۸). بعد فرهنگی توسعه. ترجمه صلاح الدین محلاتی. دانشگاه شهیدبهشتی. تهران.
- Beckerman, W. (1992). Economic Growth and the Environment: Whose Growth? Whose Environment?. World Development. 20.
- Fiel, B.C. (1994). Environmental Economics. MacGraw-Hill.
- Kuznets, S.S. (1955). Economic Growth and Income Inequality. American Economic Review. 45.
- Rao, P.K., (2000). Sustainable Development: Economics and Policy. Blackwell. Massachusetts.
- Shaffer, C. Scott & Bong, Koo Lee & Turner, Shawn, (2000). A tale of three greenway trails: user perceptions related to quality of life. Landscape and Urban Planning. 49.

- دانشگاه آزاد اسلامی. تهران.
- دیرباز، عسگر و دادگر، حسن. (۱۳۸۰). نگاهی به اسلام و توسعه پایدار. مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر. تهران.
- محقق داماد، مصطفی. (۱۳۷۳). طبیعت و محیط زیست از نظر اسلام. نامه فرهنگ. سال چهارم، شماره اول. بهار.
- مرادحاصل، نیلوفر و جمشید پژویان. (۱۳۸۶). بررسی اثر رشد اقتصادی بر آلودگی هوا. فصلنامه پژوهش های اقتصادی. سال هفتم. شماره چهارم. زمستان.
- موسوی، سید فرهاد. (۱۳۷۹). مدیریت پایدار منابع آب. نشریه آب و فاضلاب. شماره ۳۳.
- مکتون، رضا. (۱۳۷۴). توسعه پایدار. مجله بنا. شماره ۱. تهران.
- نصر، سیدحسین. (۱۳۷۷). دین و بحران زیست محیطی. ترجمه محسن مدیرشانه چی. مجله نقد و نظر. شماره ۱ و ۲. سال پنجم. زمستان و بهار.

